

حداقل دستمزد کارگران، یک چهارم خط فقر است!

سازمان فدائیان (اقلیت)

چهارشنبه ۵ فروردین ۱۳۸۸

میزان حداقل دستمزدهای کارگری، به رغم مسیر به ظاهر متفاوتی که امسال پیمود، اما مانند سال‌های گذشته، باز هم در زیر خط فقر تعیین گردید و بر فاصله آن با خط فقر افزوده شد. وقتی که دولت طرح به اصطلاح هدف‌مندی‌سازی یارانه‌ها را، که در یکی از بندهای آن، بر موقوف الاجرا شدن ماده ۴۱ قانون کار*، تأکید شده بود، به مجلس ارائه داد، موضوع افزایش حداقل دستمزدها نیز در یک حالت ابهام و بلاتکلیفی فرو رفت. در مشاجرات دولت و مجلس بر سر این طرح و عواقب اجرای آن، سرانجام این بند از طرح دولت حذف شد و قرار بر این شد که حداقل دستمزدها، مطابق ماده ۴۱ قانون کار و نرخ تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی افزایش یابد.

نرخ تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی برای ماه‌های مختلف، متفاوت بود که کمترین آن برای اسفند ماه و ۹ / ۲۵ درصد اعلام شده بود. منابع نزدیک و وابسته به رژیم، متوسط نرخ تورم را برای سال ۸۷ حداقل ۳۰ درصد اعلام کرده بودند. "شورای عالی کار" نیز برای تعیین حداقل دستمزدها، نه متوسط نرخ تورم یک ساله را، بلکه تنها نرخ تورم اسفند ماه و آن هم نه رقمی که اعلام شده بود، یعنی ۹ / ۲۵ درصد، بلکه ۲۵ درصد را مبنای کار خود قرار داد و در دومین نشست خود در ۲۱ اسفند ۸۷، ۲۵ درصد افزایش حداقل دستمزد را تصویب نمود و دستمزد روزانه کارگران ۹ هزار و ۵۰۰ تومان تعیین شد!

اما هنوز مَرکب این مصوبه افزایش حداقل دستمزد، که به غایت پائین و حتا با ثرم‌های قانونی رژیم نیز، همخوانی نداشت و به شدت مورد اعتراض کارگران بود، خشک نشده بود که بانک مرکزی ناگهان یادش افتاد که رقم تورم در اسفند ماه کمتر بوده و در سال آینده (۸۸) نیز کمتر خواهد شد! بانک مرکزی روز ۲۴ اسفند در نامه‌ای به وزارت کار و امور اجتماعی ادعا نمود "نرخ تورم در آخر اسفند (۸۷) ۱۹ درصد و در شش ماهه اول سال ۸۸ به حدود ۱۵ درصد کاهش می‌یابد!"

این که بانک مرکزی جمهوری اسلامی، در ظرف چند روز دو تا نرخ تورم اعلام می‌کند، و در زمانی که حتی کارشناسان اقتصادی وابسته به دستگاه حاکم، از جناح‌های مختلف آن، اعتراف می‌کنند که در سال ۸۸ با توجه به بحران موجود و برنامه‌های دولت، نرخ تورم وحشتناک‌تر و پرشتاب‌تر از گذشته افزایش خواهد یافت و اما بانک مرکزی خواب نما شده و از کاهش آن صحبت می‌کند، سوای آنکه آشفتگی و هرج و مرج در دستگاه حکومتی را بیان می‌کند، در عین حال بیان‌گر تلاش سرمایه‌داران است تا باز هم سهم بیشتری از دست‌رنج کارگران را بر بایند و به جیب‌های گشاد خویش سرازیر نمایند.

در هر حال به دنبال این نامه بانک مرکزی، که در وجه عمده، انعکاس اعتراض تلویحی سرمایه‌داران بخش خصوصی محسوب می‌شد، وزیر کار، با عجله به دیدار رسمی با سرمایه‌داران و نمایندگان بخش خصوصی شتافت. در این دیدار که دنیای اقتصاد، ۲۷ اسفند گزارش آن را انتشار داده است، هیأت نمایندگان اتاق بازرگانی و صنایع و

معادن تهران، از جمله رئیس و اعضای هیأت رئیسه آن، با صراحت، مراتب ناراضی خود را از افزایش دستمزدها به اطلاع وزیر کار رساندند. آنها ادعا کردند که کارفرمایان و سرمایه‌داران، قادر به تأمین ۲۵ درصد حداقل دستمزد اضافه شده، نمی‌باشند. آنها همچنین مصوبه شورای عالی کار را غیر قابل اجرا خوانده و خواهان تجدید نظر در این مورد شدند. نمایندگان بخش خصوصی در دیدار خود با جهرمی وزیر کار جمهوری اسلامی، همچنین موضوع کاهش اشتغال و اخراج کارگران را با وی در میان گذاشتند و تصریح نمودند که "بدلیل افزایش دستمزد و ناتوانی در پرداخت آن" سال ۸۸، ریزش شدید نیروی کار را در پی خواهد داشت. موضوع و خواست مهم دیگری که نمایندگان بخش خصوصی در این نشست با وزیر کار مطرح کردند، "رفع نواقص قانون کار" بود، البته به نحوی که باقی مانده موانع قانونی برای فسخ یک جانبه قرارداد کار و اخراج کارگر، به کلی برطرف گردد! جهرمی وزیر کار احمدی نژاد نیز که تا کنون گام‌های مهمی در زیر و رو کردن قانون کار به زیان کارگران و در تشدید استثمار و بی حقوقی کارگران برداشته است، در این نشست نیز با گفتن اینکه "در سال ۸۸، فسخ قرارداد کارگر و کارفرما، توافقی می‌شود!" به سرمایه‌داران و کارفرمایان اطمینان داد که در مورد فسخ قرار داد و اخراج کارگران، هر طور که می‌خواهند می‌توانند با کارگران رفتار نمایند و در این زمینه، هیچ ضابطه و قانونی، جز اراده و قانون کارفرما، ناظر بر آن نخواهد بود. به دنبال این دیدار بود که جهرمی وزیر کار احمدی نژاد، تصمیم به تجدید نظر در مورد مصوبه شورای عالی کار گرفت و در همین رابطه به فوریت جلسه اضطراری شورای عالی کار را در روز ۲۸ اسفند سرهم بندی کرد. در این جلسه، شورای عالی کار، پنج درصد از میزان حداقل دستمزد مصوبه قبلی خود را کاهش داد و مصوبه چند روز پیش خود را به دور انداخت. بر پایه مصوبه روز ۲۸ اسفند ۸۷ شورای عالی کار، حداقل دستمزد ماهانه کارگران برای سال ۸۸ حدود ۲۰ درصد افزایش یافت و ۲۶۳ هزار و ۵۲۰ تومان، یعنی روزانه ۸ هزار و ۷۸۴ تومان تعیین گردید. بدین ترتیب، عجلاناً تا همین جا، میزان حداقل دستمزدها حتی بر مبنای آمارهای رسمی رژیم و نرخ تورم ۳۰ درصدی، حداقل ۱۰ درصد از هزینه‌ها عقب‌تر است. شورای عالی کار رژیم، در حالی حداقل دستمزد ماهانه کارگران را ۲۶۳ هزار و ۵۲۰ تومان تعیین کرده است که مطابق آمار و ارقام و گزارشات انتشار یافته در رسانه‌های رژیم، خط فقر، معادل ۸۵۰ هزار تومان درآمد ماهانه برآورد شده است. به عبارت دیگر، حداقل دستمزدی که شورای عالی کار، برای کارگران تعیین نمود، از یک سوم خط فقر کم‌تر است.

هر کارگری و به ویژه هر کارگر آگاهی این را می‌داند که سرمایه‌داران، دولت و عمال ریز و درشت آن‌ها در نهادهای گوناگون، در محاسبات خود برای تعیین حداقل دستمزد، نه تنها متوسط سطح معیشت و سبب هزینه یک خانوار کارگری را در نظر نمی‌گیرند، بلکه با دست‌کاری و جعل آمار و ارقام و ارائه نرخ‌های تورم کمتر از ارقام واقعی، به دو نیرنگ دیگر نیز متوسل شده‌اند، اول اینکه بجای متوسط نرخ تورم در یک سال، تنها نرخ آخرین ماه سال و کمترین نرخ تورم را مبنا قرار داده‌اند! ثانیاً کارگران با این دستمزدها که بر مبنای تورم یک ماه، از سال سپری شده، تعیین شده است، باید هزینه زندگی در سال ۸۸ را تأمین کنند، که نرخ تورم برخلاف ادعای بانک مرکزی و به اعتراف حتی منابع و خبرگزاری‌های وابسته به رژیم، نه تنها روندی رو به کاهش را نشان نمی‌دهد، برعکس پیش‌بینی شده است که در سال ۸۸ میزان تورم از ۳۰ تا ۵۰ درصد افزایش خواهد یافت.

حال اگر افزایش نرخ تورم در سال ۸۸ را در نظر بگیریم و آن را نه ۵۰ درصد و نه حتی متوسط دو رقم یاد شده که می‌شود ۴۰ درصد، بلکه همان حداقل، یعنی ۳۰ درصد را به حساب آوریم، می‌بینیم که، میزان حداقل دستمزدها، ۳۰ درصد هم در این جا از نرخ‌های رسمی عقب‌تر است.

معنای دیگر افزایش ۳۰ درصدی نرخ تورم در سال ۸۸ اینست که با افزایش قیمت‌ها، برای تأمین یک زندگی در حد خط فقر، دیگر درآمد ماهانه ۸۵۰ هزار تومان، کافی نخواهد بود. به عبارت دیگر خط فقر نیز به همان میزان افزایش پیدا می‌کند و به یک میلیون و ۱۰۵ هزار تومان درآمد ماهانه و حدود ۳۶ هزار و ۸۳۳ تومان درآمد روزانه می‌رسد. معنای این ارقام این است که، ۸ هزار و ۷۸۴ تومان، مُزد روزانه که برای سال ۸۸ به کارگر پرداخت می‌شود، حتا به یک چهارم میزان خط فقر هم نمی‌رسد و از آن کمتر است.

سال گذشته نیز عین همین قضیه تکرار شد. در حالیکه خط فقر برای سال ۸۷، درآمد ماهانه ۷۸۰ هزار تومان در ماه برآورد شده بود، میزان حداقل دستمزدها حدود ۲۲۰ هزار تومان بود، یعنی در حالیکه حداقل هزینه روزانه ۲۹۰۰۰ هزار تومان بود، حداقل دستمزد روزانه کارگر ۷ هزار و ۳۰۰ تومان بود.

البته این عقب ماندگی دستمزد نسبت به نرخ تورم و فاصله فاحش میان میزان حداقل دستمزد و حداقل هزینه‌ها، به امسال و پارسال خلاصه نمی‌شود، بلکه در طی سالیان گذشته نیز همین نا معادله مصداق داشته است و در طی سه دهه حکومت اسلامی، پیوسته تشدید گشته است، و در نتیجه، توانایی کارگران برای تأمین نیازهای زندگی خود، سال به سال کمتر شده و قدرت خرید آن‌ها نیز مُدام تنزل یافته است، تا جایی که اکنون به مرحله‌ای رسیده است که حتی برخی از سرمایه‌داران و کارفرمایان نیز به این ناهم خوانی آشکار و دهشتناک اعتراف می‌کنند. عباس وطن‌پرور عضو کانون عالی کارفرمایان در گفتگو با سرمایه در مورد دستمزدها و عقب ماندگی آن نسبت به هزینه‌ها می‌گوید "رقم دستمزدها نزدیک به ۵ هزار درصد از رقمی که باید پرداخت می‌کردیم عقب‌تر است!"

جهرمی وزیر کار جمهوری اسلامی که می‌داند میزان حداقل دستمزد کارگران به طرز فاجعه باری کم و ناچیز است و کارگر بر پایه این حداقل دستمزد نمی‌تواند مخارج و هزینه‌های زندگی را تأمین نماید، ادعا می‌کند که "در سال گذشته تنها ۲۸ درصد کارگران حداقل مُزد مصوب شورای عالی کار را دریافت می‌کرده‌اند و متوسط حقوق کارگران ۴۱۰ هزار تومان بوده است!"

این ادعای وزیر کار که تنها ۲۸ درصد کارگران رقم حداقل دستمزد را می‌گیرند و حقوق مابقی کارگران بطور متوسط ۴۱۰ هزار تومان بوده است، یک ادعای پوچ و یک جعل و دروغ بیشتر نیست. اولاً این را همه می‌دانند که مسأله افزایش حداقل دستمزد، تنها شامل آن دسته از کارگران می‌شود که مشمول قانون کار هستند. حدود ۹۵ درصد از کارخانه‌ها و کارگاه‌های کشور را، کارگاه‌های کوچک با کمتر از ۱۰ کارگر و کمتر از ۵ کارگر تشکیل می‌دهند که بطور کلی از شمول قانون کار خارج هستند. ثانیاً به میلیون‌ها تن از کارگران قالیباف، زنان و کودکان، در حالیکه بطور وحشیانه استثمار می‌شوند، اما دستمزدهای کمتر از میزان حداقل و کمتر از صد هزار تومان و حتی روزی هزار تومان پرداخت می‌شود. ثالثاً متجاوز از ۷۵ درصد کارگران با قراردادهای موقت مشغول به کار هستند که بخش اعظم این کارگران، مستقل از اینکه در کارخانه‌های بزرگ کار می‌کنند یا در کارگاه‌های کوچک‌تر، از شمول قانون کار معاف‌اند و کارفرما هرطور که می‌خواهد با آن‌ها قرارداد می‌بندد و همان حداقل حقوق و مزایا

را نیز از آنان دریغ می‌کند. بنابراین انبوه بسیار عظیم و اکثریت بزرگی از کارگران، نه فقط متوسط دستمزدشان پائین‌تر از آن رقمی است که وزیر کار ادعا می‌کند، بلکه این اکثریت بزرگ حتا از همان حداقل دستمزد هم محروم‌اند! حال بیانیید فرض کنیم وزیر کار جمهوری اسلامی راست می‌گوید و فقط ۲۸ درصد کارگران، حداقل دستمزد را می‌گیرند و متوسط حقوق ماهانه مابقی کارگران نیز ۴۱۰ هزار تومان باشد. این ادعا، به فرض صحت، اما باز هم چیزی را در اساس تغییر نمی‌دهد، بلکه این موضوع را ثابت می‌کند که نه فقط آن ۲۸ درصد از کارگران که در حد حداقل دستمزد می‌گیرند، بلکه بقیه نیز کماکان در زیر خط فقر قرار دارند و متوسط دستمزد آنان نیز، هیچ هماهنگی و تناسبی با مخارج و هزینه‌ها ندارد، پاسخگوی نیازهای زندگی یک خانوار کارگری نمی‌باشد و به نیمه خط فقر هم نمی‌رسد!

میزان حداقل دستمزدها زمانی می‌تواند از یک تناسب و هماهنگی با نیازهای زندگی برخوردار باشد که بالاتر از خط فقر و در شرایط کنونی بالای یک میلیون تومان باشد. کارگران، از مدت‌ها پیش از آنکه سرمایه‌داران و شورای عالی کار آن‌ها بخواهند در مورد دستمزد کارگران تصمیم بگیرند، به روشنی این خواست برحق خویش را اعلام کرده بودند. اما همان طور که پیش بینی می‌شد، سرمایه‌داران، دولت و نمایندگان و عوامل آنها در شورای عالی کار، امسال نیز نه فقط به خواست کارگران گردن گذاشتند، بلکه همانطور که مشاهده کردیم، بخشاً حتا نرم‌های پیشین و قانونی خویش را نیز زیر پا گذاشتند. سرمایه‌داران و دولت آنها، با افزایش رقم بسیار ناچیزی بر حداقل دستمزدها، برای چندمین بار به کارگران گفتند که تا آن‌ها بر سر کار باشند، تا رژیم جمهوری اسلامی ادامه حیات داشته باشد، کارگران نیز محکوم به زندگی در زیر خط فقرند و نه تنها تغییر اساسی در وضعیت آن‌ها و دستمزدها حاصل نخواهد شد، بلکه بر فاصله و تفاوت میزان حداقل دستمزدها و خط فقر نیز افزوده خواهد شد.

بدیهی‌ست که کارگران برای افزایش دستمزدها به مبارزه ادامه خواهند داد. این حق طبیعی کارگر است که از یک زندگی انسانی برخوردار باشد و بتواند زندگی خود و خانواده‌اش را اداره کند. اکنون چند سال است که کارگران حتی با اضافه کاری و شغل دوم و امثال آن نیز، نمی‌توانند هزینه‌های کمر شکن زندگی را تأمین کنند. افزایش ناچیز حداقل دستمزد در طی این سال‌ها، مطلقاً هیچ تناسبی با افزایش سرسام‌آور قیمت‌ها و نرخ تورم افسار گسیخته نداشته است. جمهوری اسلامی میلیون‌ها کارگر و اعضای خانواده آن‌ها را پیوسته به فقر و گرسنگی و سیه‌روزی فزاینده‌ای سوق داده است. بنابراین به نظر نمی‌رسد که هیچ راه دیگری در برابر کارگران باقی مانده باشد جز اینکه هم پای تشدید مبارزه متحدانه برای افزایش دستمزدها، برای برافکندن حکومتی که ۳۰ سال است کارگران و زحمتکشان را در انقیاد و تنگدستی نگاه داشته و نان خالی را از سفره آن‌ها ربوده است، و برای دگرگونی بنیادی نظم موجود، اعتراضات و مبارزات خود را بیش از پیش تشدید نموده و گسترش دهند.

سازمان فدائیان (اقلیت) - نیمه اول فروردین ۸۸

زیر نویس

* ماده ۴۱ - شورای عالی کار همه ساله موظف است میزان حداقل مزد کارگران را برای نقاط مختلف کشور و یا صنایع مختلف با توجه به معیارهای ذیل تعیین نماید:

- ۱- حداقل مزد کارگران با توجه به درصد تورمی که از طرف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام شود.
- ۲- حداقل مزد بدون آنکه مشخصات جسمی و روحی کارگران و ویژگی‌های کار محول شده را مورد توجه قرار دهد باید به اندازه‌ای باشد تا زندگی یک خانواده، که تعداد آن توسط مراجع رسمی اعلام می‌شود را تأمین نماید."